

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نوروز در اسلام

به کوشش: کمال الدین آخوندتخله

ویژه اهل سنت

فهرست مطالب

- ۱ پیشگفتار و معنای لغوی عید
- ۲ نوروز و نام دیگر آن
- ۳ تاریخچه نوروز
- ۵ نوروز در عصر خلفاء
- ۶ نظری به گفته پیامبر ﷺ
- ۷ آراء علماء دین و فقہا احناف
- ۹ دیگر کتب علماء که آراء مشابه دارند
- ۱۰ چهارشنبه سوری
- ۱۳ سیزده بدر
- ۲۳ سخنانی با دوستان
- ۲۵ منابع و ماخذ

با حمدیگتا، معبود هستی که در هر صنعت از صنایع خلقتش حکمتی بودیعه گذاشت و با درود و تحیات فراوان به روان پرفتوح تنها وجودی که علت خلقت زمین و آسمان است واکسیرشفا بخش جان .

رسولی که فرمود: من برای از بین بردن رسوم جاهلیت آمده‌ام و الحق که رسالت خویش را تمام وکمال به انجام رسانید و همچنین برآل واصحاب باوفا وجان نثارا، گل‌های سرسبد شجاعت ومردانگی ، وخوشا به حال آن گروه که ادامه دهنده راه این عزیزانند.

اما بعد: مطالبی که هم اکنون مشاهده می‌کنید ، مطالبی است پیرامون نوروز وتوابع آن همچون سیزده بدر و چهارشنبه سوری ودیدگاه اسلام وعلماء دین دراین مورد.

"با آرزوی توفیق روزافزون جامعه اسلامی" والسلام عکلیم ورحمه الله
وبرکاته "

" کمال الدین آخوند تخته " اسفند ۱۳۹۳



الحمد لله الذی جعل بعض الايام عيدا والصلوه والسلام
على النبی الذی نهى المسلمین عن اتخاذ رسوم الجاهلیه وقال :
قد ابدلکم الله بهما خیرا منها یوم الاضحی و یوم الفطر واخلف علیها
الایام المبارکه کالفطر والاضحی وعلی اصحابه واتباعه الذین نالوا مراتب
التقوی باطاعه الله ورسوله بالترسم برسوم الاسلامیه بدل المراسم والاعیاد
الجاهلیه وعلی من تبعهم باحسان الی یوم الدین.

اما بعد: ای برادران ایمانی و اسلامی مناسب می دانیم قبل از شروع
بحث کمی در مورد عید و اعیاد سخن بمیان آوریم تا مقوله اعیاد اسلامی
و رسوم جاهلی را از هم تفکیک نمائیم . چنانکه می دانید ، اعیاد لفظ جمع
و مفرد آن عید، است و عید هم در لغت به معنای جشن^۱ و سرور و شادی
و بزرگداشت می باشد^۲ .

و همچنانکه خود آگاهید و مشاهده می کنید در میان ما ، مراسم هایی
همچون عید فطر و عید قربان و بزرگداشت هایی همچون شب قدر ، شب
جمعه ، نیمه شعبان، عاشورا و غیره وجود دارد که در کتب دینی، مراسم
خاص آنها ذکر شده است. و بعضی مراسم های دیگر وجود دارد که
از جمله اعیاد و بزرگداشت های اسلامی به حساب نمی آید. بلکه از جمله
رسوم و خرافاتی است که اهل جاهلیت و آتش پرستان آن را از دیرباز

^۱ فرهنگ عمید

^۲ مفردات قرآن / ۱۲۷

بزرگ می داشته‌اند و اسلام هم این رسومات غلط را تغییر داده و دستور به تعظیم اعیاد مسلمین که همان عید فطر و قربان می باشد نموده است. و حال تعدادی از مراسم‌هایی را که از جمله رسوم زرتشتی و جاهلیت به شمار می آیند را ذکر می کنیم:

۱- نوروز ۲- مهرجان ۳- سیزده بدر ۴- چهارشنبه سوری ۵- شب چله و غیره .

و اما بحث اصلی ما در مورد نوروز، سیزده بدر و چهارشنبه سوری خواهد بود . به نوروز ، روزنو، عیداول سال ، روز اول فروردین که جشن ملی ایرانیان است، نوروزسلطانی هم می گویند.^۳ و این رسم که از ایران باستان باقی مانده، آئین پاک اسلام آن را نهی کرده است ، و علماء دین مبین اسلام در کتابهای خود احکام قابل تاملی را ذکر کرده‌اند که در بخش آراء علماء دین و فقها احناف، ذکر خواهد شد.

تاریخچه نوروز:

نوروز از مراسم بسیار کهن ایرانیان آریایی^۴ است. اگرچه در اوستا^۵ از نوروز نامی نیست. ولی برخی از کتابهای دینی پهلوی ، از نوروز و مراسم ایرانیان باستان یاد کرده‌اند. در بندهش بزرگ^۶ آمده است :

^۳ فرهنگ عمید تک جلدی / ۱۲۲۵

^۴ مهمترین شعبه نژاد سفید

^۵ کتاب مذهبی زرتشتیان / فرهنگ عمید

^۶ یکی از کتابهای زرتشتیان که خلاصه قسمتی از اوستای ساسانی وزند و مربوط به خلقت جهان و مشتمل بر افسانه‌ها و اساطیر است / فرهنگ عمید

زرتشت سه بار با (هوو) یا (هوگری) نام زن زرتشت دختر فرشوستر برادر جاماسپ و زیرگشتاسپ نزدیک شد و هر بار نطفه‌ای از او به زمین افتاد و این سه نطفه تحت مراقبت ایزد آناهیته (ناهید) در دریاچه ساوه که آن را با زره هامون تطبیق کرده‌اند نهاده شد.

در آنجا کوهی است به نام کوه خدا که جایگاه گروهی از پارسیان است. هر سال در نوروز و مهرگان این مردم دختران خود را برای آبتنی در دریاچه مزبور میفرستند، زیرا زرتشت به آنان گفته است: که از دختران ایشان اوشیدر و اوشیدرماه و سوشیان موعودان سه گانه مزدیسنا به وجود خواهد آمد.^۷

و به روایت جاحظ، چون نوروز به شنبه می‌افتاد، پادشاه می‌فرمود: که از رئیس یهودیان ۴۰۰۰ درهم بستانند و کسی سبب این کار را نمی‌دانست جز این که این رسم بین ملوک جاری شده و مانند جزیه گردیده بود.

بیست و پنج روز پیش از نوروز در صحن دارالملک دوازده ستون ازخشت خام برپا می‌شد که برستونی گندم و برستونی جو و برستونی برنج و برستونی باقله و برستونی کاجیله و برستونی لوبیا و برستونی نخود و برستونی کنجد و برستونی ماش می‌کاشتند و اینها را نمی‌چیدند مگر به غنا و ترنم و لهو، در ششمین روز نوروز این حبوب را می‌کنند و میمنت

^۷ دهخدا ج ۴۶/ ۸۷۲

را در مجلس می‌پراکندند و تاروز مهر از ماه فروردین (۱۶ فروردین) آن را جمع نمی‌کردند.

هنوز هم کاشتن حبوبات پیش از عید و نگاهداشتن سبزه آنها تاروز سیزدهم فروردین در اغلب خانواده‌های ایرانی معمول است، این حبوب را برای تفأل می‌کاشتند و گمان می‌کردند، هریک از آنها که نیکوتر و بارورتر شود محصول آن در آن سال فراوان خواهد بود.

و این رسم در قرنهای نخستین اسلام نیز رایج بوده است و دیگر هدیه دادن شکر متداول بوده و همچنین در شب نوروز آتش برمی‌افروختند، و این رسم تا زمان عباسیان نیز در بین النهرین ادامه یافت و نخستین کسی که این رسم را نهاد، هرمزد شجاع، پسر شاپور پسر اردشیر بابکان است.^۸

نوروز در عصر خلفاء :

درباره‌های نخستین خلفای اسلامی به نوروز اعتنائی نداشتند، ولی بعدها خلفای اموی برای افزودن درآمد خود هدایای نوروز را از نو معمول داشتند.

و امیران ایشان برای جلب منافع خود مردم را به اهداء تحف دعوت می‌کردند.^۹

^۸ دهخدا ج ۴۶/۸۷۳

^۹ تمدن اسلام (جرجی زیدان) ج ۲/۲۷



نخستین کسی که در اسلام هدایای نوروز و مهرگان را رواج داد، حجاج بن یوسف^{۱۰} بود، اندکی بعد این رسم نیز توسط عمر بن عبدالعزیز^{۱۱}، به عنوان گران آمدن اهداء تحف بر مردم منسوخ گردید، ولی در تمام این مدت ایرانیان مراسم جشن نوروز را برپا می‌داشتند.

در نتیجه ظهور ابومسلم خراسانی و روی کار آمدن خلافت عباسی و نفوذ برمکیان و دیگر وزرای ایرانی و تشکیل سلسله‌های طاهریان و صفاریان، جشن ایرانی دوباره رونق یافت^{۱۲}.

آثار وقراین در دست است که پس از اسلام همواره جشن نوروز برپا می‌شده است، تا زمان حاضر که نوروز بزرگترین جشن ایرانیان محسوب می‌شود^{۱۳}.

نظری به گفته پیامبر ﷺ:

واینک نظری به گفته پیامبر ﷺ بیندازیم: "عن انس رضی الله عنه قال: قدم النبی صلی الله علیه و آله و سلم المدینه ولهم یومان یلعبون فیهما، فقال: ماهذان الیومان؟ قالوا: کنا نلعب فیهما فی الجاهلیه، فقال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ان الله قد ابدلکم بهما خیرا منهما یوم الاضحی و یوم الفطر. (رواه اصحاب السنن) ابوداود، ترمذی، نسائی

۱۰ فرمانروای سفاک معروف به حجاج بن یوسف که می‌گفتند یکصد و بیست هزار نفر را به قتل

رسانید. (سیر تحلیلی کلام اهل سنت از حسن بصری تا ابوالحسن اشعری ص ۴۶)

۱۱ ایشان پادشاهی عادل و خردمند بود. (تاریخ خلفاء) و بعضی وی را نخستین متکلم (عالم کلامی) اهل

سنت میدانستند. (سیر تحلیلی کلام اهل سنت از حسن بصری تا ابوالحسن اشعری ص ۶۴).

۱۲ دهخدا ج ۴۶/ ۸۷۴

۱۳ نقل به اختصار از فرهنگ دکتر معین ج ۴/ص ۴۶، ۴۸.

ترجمه : از انس روایت شده: که پیامبر اکرم ﷺ زمانی که به مدینه قدم نهادند، اهل مدینه دو روز داشتند که در آن دوروز بازی وشادی می کردند، پیامبر ﷺ درباره این دو روز سؤال کردند؟
آنان گفتند : روزهایی هستند که ما، در زمان جاهلیت در آن دو روز بازی می کردیم ، و پیامبر ﷺ فرمودند: همانا خداوند آن دو روز، را به دو روز، بهتر تبدیل کرد.(روز عید قربان و روز عید فطر) ^{۱۴}

آرا علماء دین و فقهاء احناف:

درغایه المأمول شرح تاج الاصول چنین آمده : آن دو روز که در زمان جاهلیت، اهل مدینه بازی می کردند، روز نوروز و روز مهرجان می باشند. و در حدیث فوق علاوه بر اینکه نهی بر بازی و سرور در اعیاد جاهلیت شده ، بلکه مشارکت در اعیاد آنها را نیز حرام دانسته است ^{۱۵} .
چونکه پیامبر ﷺ فرمودند " من تشبه بقوم فهو منهم " یعنی : کسی مشابه قومی باشد از جمله آنها خواهد بود.

صاحب در المختار در کتاب خویش چنین آورده : که اعطاء هدایا به اسم نوروز و مهرجان جایز نیست بلکه حرام است.
و اگر بر مسلمانی هدیه دهد و اراده تعظیم هم نداشته باشد، بلکه به حسب عادت مردم عمل کرده باشد ، کافر نمی شود و بهترین کار این است که قبل از نوروز یا بعد از نوروز این کار را انجام دهد و آن هم به

^{۱۴} التاج الجامع للاصول ج ۳۰۵/۱ + سنن ابی داود ج ۲۹۴/۱ + سنن نسائی ج ۲۳۱/۱

^{۱۵} غایه المأمول شرح تاج الاصول ج ۳۰۶/۱

خاطر عدم تشابه ، واگر در آن روز چیزی برای خوردن بخرد که قبلا نمی‌خریده ، اگر قصد خوردن و نوشیدن داشته باشد کافر نمی‌شود(زیلعی).^{۱۶}

وصاحب جامع الاصغر در کتاب خویش چنین آورده که هرگاه در روز نوروز مسلمانی به مسلمان دیگری هدیه دهد و مقصود آن تعظیم این روز هم نباشد لیکن عادت بعضی از مردم باشد(یعنی به عنوان عادت این کار را کرده باشد) کافر نمی‌شود ، اما در آن روز بخصوص اولی انجام ندادن است تا که تشابه به کفار نباشد.^{۱۷}

و در فتاوی الصغری آمده : کسی که در روز نوروز چیزی بخرد، چیزی که قبل نوروز نخریده، اگر خرید او اتفاقی باشد و قصد او بزرگ داشتن نوروز نباشد کافر نمی‌شود و همچنین هرگاه بداند که آن روز ، نوروز است لکن به سبب چیز دیگری مثل ضیافتی و غیره خرید کرده باشد کافر نمی‌شود.^{۱۸}

و آنچه جد امجد امام اعظم علیه السلام به حضرت علی رضی الله عنه به روز مهر جان فالوده تحفه برده بود اتفاقی بود نه بوجه تعظیم و نه بوجه رسم و لهذا

^{۱۶} درالمختار / ۴۸۱+ کتاب کشف الاسرار وزادالفقیر ۱۵۲

^{۱۷} جامع الاصغر/ ۲۸۵

^{۱۸} شرح فقه الاکبر لملاعلی القاری ص ۲۳۰-۲۲۹

حضرت علی رضی الله عنه او را فرمود که همچنین هر روز به ما بیار، یعنی اینکه چیزی خاص به این روز نیست.^{۱۹}

برادر ایمانی و اسلامی، تاکنون نظریه چندی از علماء دین و فقهاء احناف که مورد اعتماد امت اند را مشاهده کردیم که آراء تأمل برانگیزی را عرضه داشته اند، طوری که انسان عاقل را به دوری از این مراسمات تشویق می کند. و مشابه این نظریات را می توانیم در کتابهای ذیل نیز بیابیم:

- ۱- کنزالدقائق ۴۹۷ ۲- تکمله البحرالرائق ج ۳۶۱/۹ ۳- مجمع الانهر ج ۷۴۵/۲
- ۴- بدرالمتقی فی شرح الملتقی ج ۷۴۵/۲ ۵- فتح المعین ج ۵۹۳/۳
- ۶- تبیین الحقائق ج ۲۲۸/۶ ۷- فتاوی هندیه ج ۴۴۶/۶

^{۱۹} سیف المقلدین علی اعناق المنکرین ص ۲۰۶

واینک به مبحث بعدی که بحث چهارشنبه سوری است می‌پردازیم :

چهارشنبه سوری:^{۲۰}

چهارشنبه سوری یا چارشنبه آخرسال از مراسمات باستانی مربوط به جشن نوروز می‌باشد که در آن آتش افروزی می‌کنند- شاید اولین کسی که این رسم را بنیاد نهاد هرمزدلیر، پسرشاپور پسر اردشیربابکان باشد. اجرای این آتش افروزی در میان زرتشتیان به ویژه در روستاهای ایران با تشریفات خاصی انجام می‌گیرد . که می‌توان به قاشق‌زنی یا ملاقه‌زنی ، فالگوش ایستادن- شکستن کوزه کهنه و خریدن کوزه نو همچنین خریدن جاروی تازه ونو و تهیه آجیل چهارشنبه سوری وبرگزاری مراسم فال کوزه یا چلبیتو و پختن آش چهل گیاه و چهار رنگ پلو وانجام مراسم بخت‌گشائی دختران اشاره نمود.

پوشیده نیست که عنصر آتش در نزد ایرانیان دارای احترام به سزائی بوده و آن را فروغ یزدانی (آذرایزد) می‌خواندند- در روایات باستانی آمده، چون در شب چهارشنبه آخرسال، در احادیث به نحوست یاد شده ، آتش را که نماینده فروغ یزدانی و پاک‌کننده هر پلیدی است می‌افروزند تا نحوست و پلیدی‌ها را از میان برده، ایرانیان باین باور، هنوز هم این رسم کهن را برپا می‌دارند، در این شب زن و مرد، پیرو جوان، بوته جمع می‌کنند و در صحن خانه‌ها یا کوچه و معابر آتش می‌افروزند از روی آن می‌پرنند

^{۲۰} جامعه در قبال خرافات ص ۱۰۲-۱۰۰ محمد حسن پاکدامن

و این کلمه‌ها را در هنگام پریدن از روی آتش به زبان می‌دانند: (زردی من از تو، سرخی تو از من) و شادابی و صحت مزاج را آرزو می‌کنند و در پایان شب دختران دم بخت برای گشوده شدن بخت خود، به درخانه‌ها می‌روند با کاسه و قاشقی صدا در می‌آورند و تقاضای هدیه یا خوراکی و چیزهایی که شگون داشته باشند می‌کنند و منتظر می‌شوند تا چیزی را دریافت کنند و بروند، در بیشتر روستاها، رسم این است که پس از انجام آتش افروزی دوشیزگان خاکستر آتش را از خانه بیرون می‌برند درکناره دیواری می‌ریزند پس دوشیزه به کنار درخانه خود می‌آید و درمی‌زند در این هنگام از درون خانه سؤال می‌شود کیه درمی‌زنه؟ دوشیزه پاسخ می‌دهد، منم از او می‌پرسند: از کجا آمده‌ای؟ جواب می‌دهد: عروسی، دوباره از او می‌پرسند با خود چه آورده‌ای؟ دوشیزه می‌گوید: تندرستی، آیا واقعا انجام چنین مراسمی، نوعی تفسیر واقعی خرافات نیست، اگر مردمان قدیم برای رفع نحوست چهارشنبه، عقیده داشته‌اند که آتش رفع نحوست می‌کند. چرا بعد از قرنهای متوالی مابه این عقیده استوار باشیم. رسم آینه شکستن در نزد مردم قدیم و بدوی بدشگون بوده، چون علم و عقیده آنها چنین چیزی را اثبات کرده بود، بر آنها داشتن چنین عقیده‌ای خرافه نبود ولی بعد از روشن شدن مطلب در این عصر علوم، انسان قرن (۲۰ و ۲۱) اگر چنین عقیده‌ای داشته باشد بحق که او خرافه پرست است. امروز این مراسم در شهرهای بزرگ مثل تهران به چه نحو انجام می‌شود؟ مشهد- شهرامان رضا همراه با چه اوضاعی است؟

عده‌ای می‌گویند این جشن و جشن‌های ماننداین - یک جشن ملی است و مابا تمام وجود باید برگزارش کنیم، سؤال می‌شود آیا ترویج خرافات در جامعه اسلامی کارپسندیده است؟ آیا برگزاری این جشن توام با معصیت مورد قبول اسلام است؟ در مسابقه بین تعصب ملی‌گرائی و اسلام گرائی کدام مقدم است؟ اگر اسلام بازنده این مسابقه شد پس مسلمانی چه مفهومی دارد؟ در هیچ مورد روایات کهن باستانی مقید نشده که این جشن فقط باید در کوی و برزن و دشت و صحرا و خیابان و کوچه باشد، اگر کسی تعصبی شدید در برگزاری آن دارد می‌تواند، این مراسم را در صحن منزل انجام دهد و اعمال مربوطه باستانی را بجا آورد و هیچ گونه مزاحمتی برای دیگران نداشته باشد پس اینگونه اشخاص لزوماً پای بند سنن ملی هم نیستند، فرصت طلبهائی می‌باشند که عاشق چنین سننی هستند تا ایجاد هرج و مرج و رواج فساد در جامعه کنند.

هرسال بر اثر این مراسم فجیع در بیمارستانها چه خبر است؟ چه کودکان معصومی که بر اثر تلقین اجتماعی و خانوادگی چهارشنبه‌سوری، روانه بیمارستانها می‌شوند، بدنشان می‌سوزد، قطع عضو پیدا می‌کنند، چه کسی باید جوابگوی باشد؟!

و در بخش پایانی کتاب به مبحث سیزده بدر می‌پردازیم:

سیزده بدر :

یکی از محققین در تحقیقی که در زمینه سیزده و سیزده بدر دارد می‌گوید: در ایران باستان مراسم نوروز تا سیزده فروردین طول می‌کشید. بدین ترتیب که نوروز اصل هفت روز بود و پنج روز هم ایام پرهیز که معمولاً مراسم مذهبی بجای آورده می‌شد و روز سیزدهم در فضای آزاد ضیافتی بزرگ می‌دادند تا خاطر ارواح بزرگ و درگذشتگان را شاد کنند و سال نورا با دلی پاک و تطهیر شده از گناهان آغاز نمایند، در ابتداء این مراسم تنها برای برگزاری جشن و سرور شادی نبوده بلکه بیشتر به جهت تزکیه نفس و نزدیکی به خدا و در حقیقت غلبه بریأس و دشمنی و پلیدی بوده است و مردم با رفتن به بیرون شهر و انجام مراسم مذهبی در حقیقت خود را از همه آلودگیها و پلیدیها تطهیر کرده، خانه دل را از کینه و دشمنی، خانه تکانی می‌کردند، و با خواندن دعاء و اوراد بر تاریکی و دروغ و سیاهی پیروز می‌شدند.

اگر تحقیق ایشان بر مستندات قطعی استوار باشد باید بگوئیم که سیزده بدر امروز تنها برای تفریح و عیش و نوش و خوشگذرانی است، و ای چه بسا همراه معاصی بیحد و حصری نیز باشد یعنی باز هم حقیقت مساله طی قرون متوالی منحرف شده است، در روایات کهن و اساطیر ایران و هند و چین آمده که جهان بر روی دوازده ستون به نشانه دوازده ماه سال قرار دارد و از ابتدای سال دوازده، روح شرور و پلید پایه‌های این دوازده

ستون را می‌جوئد تا جهان را بر سر ساکنین آن خراب کنند ، کارجویدن ستونها یکسال طول می‌کشد و با آمدن عید نوروز و شور و هلهله مردم ، ارواح پلید ترسیده ، از جویدن ستونها دست برمی‌دارند و ارواح پاک در اثر اوراد و دعاهای مردم در مراسم نوروز دوباره دوازده ستون تازه برپا می‌سازند و جهان را از خرابی و انهدام نجات می‌دهند.

کار ساختن ستونهای تازه، دوازده روز اول سال طول می‌کشد ، و روز سیزدهم که کار ساختن ستونها تمام می‌شود مردم به مژده اتمام ستونها و طلوع سال نو، جشن شکرگزاری می‌گیرند. پس باید اذعان کنیم که سیزده بدر نیاکان ما علاوه بر برپائی جشن ، مقید به رازونیز و عبادت و شکرگذاری بوده است ، سیزده بدر روزی مقدس بوده ، ایشان در ادامه تحقیق خود می‌گویند:

درايران باستان در مراسم سیزده نوروز مطلقاً از نحس بودن سیزده اسمی نبوده و ایرانیان این مراسم را جزء آداب دینی خود انجام می‌دادند و نحوست عدد سیزده بعداً به آن راه یافته اما چطور؟

نحس بودن عدد سیزده ظاهراً بدلیل وقوع حوادث و حشتناکی است که طی تاریخ اتفاق افتاده و مردم در این روز با یادآوری آن وقایع گناه آن را به گردن سیزده می‌گذارند ، این موضوع که سیزده نحوست دارد بین همه ملت‌ها وجود دارد و معلوم نیست علت حقیقی نحسی سیزده چه بوده؟ گرچه برای آن وقایع متعددی ذکر کرده‌اند ولی مسلم است که همه مردمی که به سرنوشت و بخت و طالع اعتقاد دارند از گریه سیاه و جغد

و عدد سیزده می‌ترسند و حتی در شهرها هم متصدیان امور شهری هنگام شماره‌گذاری منازل بعد از (۱۲) عدد (۱+۱۲) را می‌نویسند و از ذکر عدد (۱۳) خودداری می‌کنند.

می‌گویند، در فرانسه اگر پشت میز غذا، سیزده نفر نشسته باشند صاحبخانه می‌رود و از غابریل کوچه یکنفر را می‌آورد تا جمع میهمانهای خود به چهارده برسد.

در هر صورت سیزده مطلقاً نحس نیست و عدد ۱۳ هم مثل بقیه اعداد است. این برای ماحجت شده، روی این اعتقادات است که همه مردم کوشش دارند به هر طریقی شده نحسی سیزده را خنثی کنند و روز سیزده فروردین فرصتی است که مردم با رفتن میان طبیعت و با جشن و سرور و شادی نحوست سیزده و خستگی دوازده روز دید و بازدید را بدرمی‌کنند. نویسنده کتاب روانشناسی، خرافات این مساله را چنین بررسی نموده است: فرض کنید ما پژوهشی را برعهده گرفته ایم تا ثابت نمائیم که سیزدهام ما واقعا نحس است یا نه؟ برای این منظور می‌توان تعداد تصادفهای را که در این روز به خصوص در مقایسه با روزهای دیگر اتفاق افتاده بررسی کرد، حال فرض کنید که ما به راستی به این نتیجه برسیم که تعداد تصادفها در آن روز نسبت به روزهای دیگر بیشتر است و این فزونی از لحاظ آماری معنادار است و بنابراین احتمال نمی‌رود که نتیجه‌ای که بدست آمده تنها ناشی از عامل تصادف باشد.

می‌پرسیم که آیا در چنین وضعی می‌توان نتیجه گرفت که عقیده مورد بحث صحیح است و به همین جهت نیز خرافه نیست؟ اغلب مردم اکراه دارند از اینکه چنین نتیجه‌ای بگیرند و به رغم شواهدی ارائه شده ترجیح می‌دهند بر احساس خود تکیه کنند و بگویند این تصادفی بیش نبوده است. اما در این راه حل ساده به این واقعیت مهم توجه نمی‌شود که باورها فقط چیزهائی نیستند که فقط درون کاسه سرآدمی قرار داشته باشند بلکه بر رفتار اثر می‌گذارند.

حال اگر تعداد درخور توجهی از مردم ایمان راسخ داشته باشند که ۱۳ روز نحسی است، عین اعتقاد ممکن است در آن روز به خصوص در رفتار آنان اثر گذارد و آنها را مرددتر، حساس‌تر، مضطرب‌تر سازد.

در نتیجه بالا رفتن میزان تصادف ممکن است در واقع از پیامدهای یک عقیده باشد، کما اینکه شواهدی نیز حاکی از آن است که یک چنین زنجیره علت و معلول در کار است، چنین فرآیندی را پیشگویی خودکام بخش نامیده‌اند که در زندگی آدمی چیز چندان نادری هم نیست.

اما به چه دلیل عدد ۱۳ نحس است؟

در اینجا چند روایت را که دلیل نحسی عدد سیزده می‌دانند می‌آوریم و در رد و یا قبول آن اصراری نداریم.

۱- طبق روایات کهن در زمان یکی از فراعنه مصر، روز سیزدهم فروردین (به گاهنامه مصری) ستاره دنباله‌داری با زمین تصادف می‌کند که زمین به شدت تکان خورده و زلزله مهیب و وحشتناکی همه جا را به

خرابی می‌کشاند و عده زیادی مردم بی‌گناه قربانی می‌شوند، بقیه مردم وحشت زده به بیابانها فرار می‌کنند. از آن زمان روز سیزدهم اول سال نحس و بدشگون شمرده می‌شود و همه ساله در آن روز مردم به بیابانها می‌روند و به یاد این روز مراسمی انجام می‌دهند. امروز هم رفتن مردم به صحرا و خارج از شهر به همین دلیل است.

۲- در اثر نوشته‌های محققین و همچنین مطلبی که (ویل دورانت) در جلد اول تاریخ تمدن قدیم آورده: (سومریها و بابلیها و مصریها) نمی‌توانستند، بیشتر از عدد ۱۲ بشمارند زیرا عدد ۱۳ را نحس می‌دانستند و به همین علت اعداد آنها یا، دوازده است یا اعدادی است که بر ۱۲ قابل قسمت باشد.

۳- حضرت مسیح، در جمعی حضور داشت که با یازده شاگرد خود دوازده نفر می‌شدند، تا اینکه (یهودا) بر آنها وارد شد و تعداد به ۱۳ نفر رسید و مشهور است، که این نفر سیزدهم عامل شناسائی و دستگیری حضرت مسیح توسط عوامل فرعون گردید و گویا از این زمان بین پیروان مسیح عدد سیزده بصورت شوم و نحس معروف گردید.

۴- در چین قدیم، برعکس همه جا عدد ۱۳ مقدس بوده و خانه‌ها معمولاً ۱۳ اتاق داشته و کوچه‌هایی که سیزده خانه داشته هم مقدس بوده و ورق‌های بازی هم که از اختراعات چینی‌ها است، هر رنگ آن ۱۳ برگ دارد و شاید چون بیشتر حملات اقوام وحشی قدیم مانند مغولان و

تاتارها به دنیای متمدن از شرق آسیا وکشورچین بوده است به تلافی آن عدد ۱۳ را که نزد چینی‌ها مقدس بوده نحس شمرده‌اند.^{۲۱}

« درخاتمه روایتی از علی بن الحسین ابن علی (زین العابدین) را نقل می‌کنیم که در(ص ۲۱۳ جلد ۶ روح البیان) به آن اشاره شده است: حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام درماه رمضان دربستر خفته بود ، مردی ازبنی تمیم حضورش شرفیاب شد ، عرض کرد: یا علی مرا از اصحاب رس^{۲۲} خبرده، درچه عصر بودند؟ سرزمین آنها کجا بود؟ پادشاه آنها چه کسی بود؟ آیا پیامبرو رسولی داشتند یا خیر ؟ چگونه هلاک شدند؟ (سوالات متعددی نمود) حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام با تبسمی فرمود: ای عمرو، تو از اخباری سوال کردی که تاکنون قبل از تو هیچ کس سوال نکرده بود .

ای عمرو، اصحاب رس قومی بودند که درخت صنوبر را می‌پرستیدند وآن را شاه درخت می‌گفتند ،این قوم پس از عصر سلیمان ابن داود می‌زیستند و ۱۲ قریه داشتند که درکنار رود ارس دربلاد مشرق واقع بود . شهر رود ارس ،در آن عصر بزرگترین شهرها بود که گواراترین آب را داشت و ۱۲ قریه داشتند که همه از آن نهر سیراب

^{۲۱} جامعه درقبال خرافات ص ۱۱۲-۱۰۶

^{۲۲} رس: چاهی است در عدن مخصوص اقوامی از بقایای قوم نمود که پادشاهی عادل وزیبا سیرت بنام (علیس) آنان را حکومت می‌کرد(روح البیان ج ۱۱۰/۹)

می‌شدند و آن جاها سرسبز و خرم بود - اسامی این قریه‌ها از این قرار بود:

۱-آبان ۲- آذر ۳- دی ۴- بهمن ۵- اسفند ۶- فروردین
۷- اردیبهشت ۸- خرداد ۹- مرداد ۱۰- تیر ۱۱- مهر ۱۲- شهریور
شاه درخت بسیار شاخ و برگ داد و سر به فلک کشید، این درخت مقدس و مورد احترام شد، بقدری به آن احترام می‌گذاشتند که هیچ فردی از انسان و حیوان حق نداشت از آب چشمه کنار درخت بیاشامد و هرکس چنین کاری را می‌کرد او را می‌کشتند و می‌گفتند این آب زندگی رب النوع ما می‌باشد و هیچ کس حق ندارد حیات او را ناقص گرداند .

درهرشهر و قریه در دوران سال یک روز عید می‌گرفتند و اطراف آن درخت اجتماع می‌کردند و از پارچه‌های حریر برشاخه‌های آن درخت می‌بستند و می‌پوشانیدند، گوسفندان و ذبایح را میان آتش می‌انداختند و بطرف شاه درخت به سجده و کرنش می‌افتادند ، گریه می‌کردند و صدائی شبیه به صدای کودکان بلند می‌کرد و شیطان می‌گفت : از شما راضی هستم. چون این صدا را از درون درخت می‌شنیدند سرازسجده برمی‌داشتند و می‌گفتند دل ما خنک و دیده ما روشن شد و به شادمانی رضایت رب النوع خود قدری شراب می‌نوشیدند و دف می‌زدند و دست می‌زدند و یک شب و یک روز جشن شادمانی داشتند تا بازگشت به شهر و مسکن خود می‌نمودند.

عجم به افتخار این ایام وامکنه، اسامی ماههای خود را ماخوذ از آن شهرها کرده و بنام آبانماه و آذرماه خواندند و تمامی اسامی ماههای فارسی مشتق از این اسماء قری می باشد ، درهرماه جشن می گرفتند و چون اسفند ماه می رسید ماه اسفند را جشن عمومی می گرفتند که در این جشنها تمام اهالی قری و ساکنین ۱۲ قریه در پایتخت تمرکز یافته و اطراف درخت صنوبر و چشمه رس خیمه های بزرگ ازدیباچ و حریربرپا می کردند.

قربانی در این روز عید بزرگ چند برابر قربانی روزهای اعیاد مخصوص هر قریه بود . چون صدای شیطان ازدرون درخت شنیده می شد ، همه مردم سراز سجده برمی داشتند و شراب می خوردند و ۱۲ روز به عدد روزهای قری و اهالی عیش و عشرت می کردند و پس از پایان جشن روز ۱۳ به منازل خود برمی گشتند.

خدا برای آنها پیامبری را از بنی اسرائیل بنام « حنظله بن صفوان »^{۳۳} برگزید، هرچه تبلیغ نمود، اثر نداشت روزی دست به دعا برداشت عرضه داشت ، الهی تومیدانی که من مدتی است این قوم را به توحید و صلاح و سعادت دعوت می کنم، کفر می ورزند و مرا تکذیب می کنند و برای پرستش این درخت جمع می شوند، درختی که نفع و ضرر ندارد، خدایا این درخت را خشک کن تا آنها مأیوس شوند.

۳۳ از بنی اسرائیل از نژاد یهودا بن یعقوب (روح البیان ج ۶ ص ۲۱۴) کذا فی کشف الاسرار للعالم

الربانی الرشید الیزدی

دعای پیغمبر اصحاب رس^{۲۴} مستجاب شد ، چون صبح روز عید بزرگ همه آن قوم جمع بودند دیدند درخت یکجا خشکیده ، جملگی تصمیم بر قتل پیامبرشان گرفتند، جعبه‌ای از آهن ساختند که دهن آن گشاد و پائین آن بسیار تنگ بود ، روی آب انداختند و پیامبر خود را گرفتند و گفتند : یاسحر خود را باطل کن که درخت سبز شود یا در این جعبه خواهی ماند ، آنقدر به این رسول محترم فشار آوردند و در تنگنای جعبه آهنین سخت کوبیدند که در آن صخره سخت آهنین از جهان درگذشت ، در حالیکه در لحظات آخر عمر خود عرض کرد: پروردگارا توشاهد حال من هستی ، جای تنگ و سخت مرا ببین و حال تباه و ضعف مرا نگاه کن ، روح مرا قبض کن که دیگر طاقت ندارم و تو خودت از این قوم کیفر بگیری .
دعای آن حضرت مستجاب شد و همانجا جان به جان آفرین تسلیم کرد، آنگاه به جبرئیل خطاب شد آیا می بینی که این قوم از حلم و مدارای من سوء استفاده کردند و رسول مرا کشتند من منتقم حقیقی هستم و از آنها انتقام خواهم گرفت و آنها را عبرت روزگار خواهم ساخت .

سپس فرمان داد در همان روزی که عید بزرگ داشتند و همه جمع بودند ، باد تندی شدید و سرخ رنگ وزیدن گرفت ، زمین را زیر پای آنها چنان گرم کرد که گوئی آهن سرخ شده است ، آنقدر آن قوم را بهم فشرده و سوزانید که مانند آتش زبانه می کشیدند و تمان اندام آنها آب شد

^{۲۴} اصحاب الرس = فرقان ۳۸/ جزء ۱۹ + ق ۱۲/ جزء ۲۶

گوئی مانند آهن در آتش آب شده و خیمه گاه عشرت آنها را به خیمه غضب خود فرو برد تا به کلی آن قوم از بین رفتند و آنها را به اصحاب رس در قرآن یاد فرمود که عبرت بشر گردید.^{۲۵}

*** وَ عَادًا وَ ثَمُودَ وَ أَصْحَابَ الرَّسِّ وَ قُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا ***

و [نیز] عادیان و ثمودیان و اصحابِ رَسِّ و نسلهای بسیاری میان این [

جماعتها] را [هلاک کردیم] . ﴿ الفرقان ، ۳۸ ﴾

*** كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ أَصْحَابُ الرَّسِّ وَ ثَمُودُ ***

پیش از ایشان قوم نوح و اصحاب رس و ثمود تکذیب نمودند . ﴿ ق ، ۱۲ ﴾

از این حکایت مطالبی بدست می آید از آنجمله پیدایش اسامی ماههای شمسی ، عاقبت شهوات و تمایلات جاهلانه و شاید بعد از این واقعه در

ذهن مردم جای گرفت که سیزده نحس است . (والله عالم بکل شیء)

و نحوسیت سیزده ، بطور خاص و هرچیزی منحوسی مورد تأیید

حضرت رسول اکرم ﷺ نمی باشد . طوری که ایشان تشوّم (نحس

شمردن) را رد نموده اند .

و مانیز به امر خدا به پیروی از رسول خدا ﷺ دعوت شده ایم (ای

کسانی که ایمان آورده اید از خدا و رسولش اطاعت نمائید .

✽ ✽ سخنانی با دوستان ✽ ✽

قال الله تعالى: وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۵۳)

«و آنچه بیان شده است راه من است که راه راست می باشد ، پس از آن پیروی نموده و از راههای دیگر که از این راه جدا هستند پیروی نکنید. باشد که به تقوا گرایید.» ﴿الأنعام، ۱۵۳﴾

و پیامبر ﷺ فرموده اند: من عمل عملاً ليس عليه امرنا فهو رد. (بخاری و مسلم) هر کس کاری (در موردین) که ما به انجامش دستور نداده ایم، عمل کند، عملش رد و مردود است. (هزار حدیث ۱۳۳)

پیامبر ﷺ فرموده اند: انما المومن لا ینجس (بخاری و مسلم) به راستی که شخص مومن هیچگاه نجس نخواهد شد (دچار شرک نمی شود). (هزار حدیث ۱۳۳) در حدیثی دیگر آمده : خیر اسن سنه محمد (بی هقی) نیکوترین سنت ها ، سنت محمد ﷺ است. (هزار حدیث ۱۳۳)

قال الله تعالى: اِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ لِيُحْكَمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵۱)

« مومنان هنگامی که به سوی خدا و پیامبرش فراخوانده شوند تا میان آنان داوری کند ، سخنشان تنها این است که می گویند : شنیدیم و اطاعت کردیم و رستگاران واقعی ایشانند.» ﴿النور، ۵۱﴾

و در حدیثی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است : المرء مع من احب (بخاری و مسلم) هرانسانی همراه با کسی است که دوستش می دارد. (هزار حدیث) غرض از آوردن آیات و احادیث در آخر تحقیق بیان این حقیقت است که خداوند و پیامبرش محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ما انسانها را دعوت به ترسم به رسوم اسلامی کرده اند که هیچ عیب و کاستی در آن نمی باشد. و از دیگر رسوم و راه ها بر حذر داشته اند و چه خوش گفت آن شاعر نامی که گفت : چرا کاری کند عاقل ، که باز آرد پشیمانی . پشیمانی که هیچ سودی نخواهد داشت .

لذا از برادران ایمانی خویش تقاضا می کنم، که در این باره تجدید نظر داشته باشند. چونکه مبنای فقهی احناف (که تدوین گر آن حضرت امام اعظم ابوحنیفه نعمان بن ثابت رَضِيَ اللهُ عَنْهُ ؛ متولد ۸۰ هجری و متوفای ۱۵۰ هجری می باشند) مبتنی بر احتیاط است و نیز احتیاط شرط عقل است و مقوله ایمان و کفر ، تعظیم و بزرگداشت رسوم جاهلی و تشابه به آنها و احکام وارده از علماء چیز کم و بی ارزشی نمی باشد که بی تفاوت و بی خیال از کنارش رد شویم ، با امید تزیین همگی به زینت رسوم و عادات اسلام و مسلمین . (آمین)

منابع و ماخذ :

- ۱- قرآن کریم
- ۲- مفردات قرآن
- ۳- فرهنگ عمید
- ۴- تمدن اسلام: مولف جرجی زیدان
- ۵- فرهنگ فارسی دکتر معین
- ۶- التاج الجامع للاصول
- ۷- سنن ابی داود
- ۸- سنن نسائی
- ۹- غایه المامول شرح تاج للاصول
- ۱۰- درالمختار
- ۱۱- کشف الاسرار و زادالفقیر
- ۱۲- جامع الاصغر
- ۱۳- شرح فقه الاکبر لملا علی القاری
- ۱۴- سیف المقلدین علی اعناق المنکرین
- ۱۵- کنزالدقائق

- ۱۶- تکمله البحرالرائق
- ۱۷- مجمع الانهر
- ۱۸- بدرالمتقی فی شرح الملتقی
- ۱۹- فتح المعین
- ۲۰- تبیین الحقائق
- ۲۱- فتاوی هندیه
- ۲۲- هزار حدیث
- ۲۳- جامع درقبال خرافات (محمدحسن پاکدامن) چاپ مشهد
- ۲۴- روح البیان (شیخ اسماعیل حقی بروسوی)
- ۲۵- سیرتحلیلی کلام اهل سنت (عبدالله احمدیان)
- ۲۶- تاریخ الخلفاء سیوطی
- ۲۷- فرهنگ دهخدا